



جلال میرزایی

نماینده مجلس دهم

شنبه‌شب هفته جاری بود که زینگییو راټو، وزیر امور خارجه لهستان در رأس هیئتی دیپلماتیک با دستور کار گفت‌وگو درباره مسائل دوجانبه و جنگ اوکراین که در نزدیکی مرز لهستان جریان دارد، در سفری سه‌روزه به تهران وارد شد. به موازاتش سه‌شنبه انریکه مورا، مذاکره‌کننده ارشد اروپایی با حضور در ایران آخرین تیر ترکش دیپلماتیک اتحادیه اروپا را برای احیای برجام شلیک کرد. این در حالی است که طبق شنیده‌ها شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر هم پنجشنبه‌شب هفته جاری به ایران سفر خواهد کرد. اگرچه در این سفر مسائلی مانند جام جهانی ۲۰۲۲، وصول مطالبات ایران و موضوعات دوجانبه و منطقه‌ای می‌تواند موضوع دیدارهای دوحه و تهران باشد اما بی‌شک مهم‌ترین مسئله این سفر تلاش دیپلماتیک دوحه برای احیای برجام و حل آخرین موانع در این زمینه خواهد بود. سفر امیر قطر از این‌جهت اهمیت مضاعف دارد که علاوه بر نمایندگی مواضع ایالات متحده به شکلی دربردارنده نگاه تروئیکای اروپایی نیز خواهد بود؛ به‌ویژه که حضور

شیخ تمیم در ادامه سفر وی به آلمان، انگلیس و چند کشور دیگر اروپایی قابل ارزیابی است.

این ترافیک دیپلماتیک در ایران گویای آن است که بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از تمام ظرفیت خود برای خروج برجام از بن‌بست کنونی استفاده می‌کنند. از یک طرف ورشو که نزدیکی سیاسی خاصی به مواضع واشنگتن دارد، سعی در مجاب‌کردن تهران داشته و از طرف دیگر اتحادیه اروپا و تروئیکای قاره سبز هم تکاپوی جدی برای جلوگیری از شکست توافق هسته‌ای را در دستور کار قرار داده‌اند. در کنارش قطر که در چند سال اخیر جای عمان را به‌عنوان میانجی‌گر ایران و آمریکا گرفته است، نیم‌نگاهی به تنش‌زدایی بین تهران – واشگتن دارد تا ضمن رفع نگرانی خود درباره پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ذیل حصول توافق در وین بتواند نفوذ و وزن دیپلماتیک خود را به‌شدت افزایش دهد. بنابراین جا دارد دولت رئیسی هم به موازات اتخاذ سیاستی عقلانی و منعطف به این نکته توجه داشته باشد که اوج‌گیری

## پکیج تحرکات دیپلماتیک احیای برجام

بحران معیشت در داخل کشور راهی جز توافق را پیش پای تهران نمی‌گذارد. ضرورت استفاده هرچه بهتر از این شانس به ما یادآور می‌شود که در صورت فرصت‌سوزی از جانب تهران، مخالفان احیای برجام شریاطی را فراهم می‌آورند که اگر درنهایت جمهوری اسلامی متقاعد به احیای توافق هم شود، دیگر امکانش وجود نداشته باشد. نباید فراموش کنیم سنا در دو هفته اخیر دو مصوبه علیه بانک مرکزی ایران و عدم خروج سپاه پاسداران از لیست گروه‌های تروریستی به تصویب رساند. جمهوری اسلامی باید با استفاده از این فرصت‌ها تلاش‌های ضدبرجامی را در داخل آمریکا و منطقه خنثی کند. در ضمن واقعیت‌های عرصه جهانی به‌خصوص تبعات جنگ اوکراین بر اقتصاد جهانی به‌روشنی ثابت کرد که ادعای دولت سیزدهم و حامیانش در جدایی سیاست داخلی و خارجی از یکدیگر و گره‌زدن معیشت مردم به برجام شعاری بیش نیست. اکنون که کمیّت تیم اقتصادی دولت سیزدهم به‌شدت لنگ می‌زند و قُـوَران انتقادات و اعتراضات به‌واسطه حذف ارز

### در گفت‌وگوی «شرق» با آخرین سفیر جمهوری اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی و اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه، حضور هم‌زمان مورا و شیخ تمیم در احیای برجام بررسی شد

# سایه وین در تهران

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ پس از سفر سه‌شنبه انریکه مورا به تهران آن‌گونه که در محافل رسانه‌ای مطرح است، قرار شده شیخ تمیم بن حمد آل ثانی هم پنجشنبه‌شب هفته جاری سفری به ایران داشته باشد. به نظر می‌رسد این حضور امیر قطر هم مشابه نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات وین، تلاشی برای احیای برجام باشد. این در حالی است که پیش از این دو شاهد حضور زینگیو راټو، وزیر امور خارجه لهستان بودیم. از یک منظر باید این ترافیک دیپلماتیک اخیر را واپسین تلاش‌ها و تحرکات سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای احیای برجام دانست که تا مرز حضور امیر قطر هم رسیده است تا بتوان به بن‌بست ۶۲ روزه مذاکرات وین خاتمه داد و موتور گفت‌وگوها را دوباره روشن کرد. در آن‌سوی داستان نیز تحرکات روسیه با محوریت خروج ارتش این کشور از پایگاه‌هایش در خاک سوریه و احتمال جایگزین شدن با نیروهای ایران از دید برخی‌ها تلاش مسکو برای ماندن تهران در جبهه کرملین ارزیابی شده است. به‌ویژه که رفتار اسرائیل در خلال جنگ اوکراین روابط سردی را در مناسبات مسکو – تل‌آویو رقم زده است. بنابراین اکنون تهران در دوراهی طمع روسیه و تلاش غرب برای احیای برجام قرار دارد؛ حال اینکه جمهوری اسلامی کدام‌یک از این دورا انتخاب می‌کند. موضوع گفت‌وگوی «شرق» با نعمت‌الله ایزدی، آخرین سفیر جمهوری اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی، اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه و تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل است که در ادامه می‌خوانید.

نظامی ناخواسته روسیه صرفا به‌معنای تهدید امنیت اسرائیل نخواهد بود بلکه یک موازنه جدید امنیتی را به منطقه خاورمیانه تحمیل می‌کند.

**• به تبعات مخرب جنگ اوکراین بر تغییرات معنادار در اولویت‌بندی نظامی و امنیتی روسیه در سایر جهان مناطق اشاره کردید. آیا کرملین با هدف تمرکز بر مدیریت جنگ اوکراین مجبور است که سوریه را تخلیه کند و به موازاتش متحد استراتژیکی مانند اسرائیل را از دست بدهد؟**

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم و دوباره تأکید می‌کنم فن سیاست و هنر دیپلماسی این است که در بازه‌های زمانی و مکانی مختلف بتوان کمترین ضرر و بیشترین منفعت را به دست آورد. در شرایط کنونی ناشی از جنگ اوکراین و رفتاری که اسرائیل در برابر روسیه از خود نشان داده است و همچنین با درنظر داشتن تقابل تمام‌عیار جامعه جهانی با مسکو، پوتین مجبور است در یک اولویت‌بندی آرایش نظامی خود را در سایر مناطق مانند خاورمیانه، قفقاز و... تغییر دهد. پیش‌تر مشابه این رفتار مسکو را در عراق، افغانستان و سوریه شاهد بودیم. در سال‌های پایانی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روس‌ها ناچار شدند که از خاورمیانه فاصله بگیرند. همین مسئله شرایط لازم را برای حمله آمریکا به عراق شکل داد و به موازاتش شاهد انفعال مسکو بودیم. البته تمام این نکات به‌معنای خروج یک باره روسیه و تغییر راه‌بردی برنامه‌های مسکو در خاورمیانه یا قفقاز و... نیست بلکه فعلا در شرایط جنگ اوکراین، روسیه نوعی رفتار تاکتیکی را در پیش گرفته است تا تمرکز بیشتری روی مدیریت این جنگ داشته باشد. ولی کرملین این توانایی را دارد که در کوتاه‌ترین زمان ممکن بعد از فروکش‌کردن آتش جنگ اوکراین دست به بازتعریف و احیای سیاست‌های قبلی خود بزند.

**• آن‌گونه که در سب‌الالات قبلی عنوان شد، اخبار واصله حکایت از جایگزین‌شدن نیروهای ایرانی به جای نیروهای روسی در مناطق مختلف سوریه دارد. درعین‌حال اسرائیل بزرگ‌ترین رزمایش تاریخ خود را موسوم به «ارابه‌های آتش» از یکشنبه جاری به موازات این اقدام روسیه در تخلیه سوریه برگزار کرد. با توجه به این نکات، آیا جایگزین‌شدن ایران با روسیه به تحقق سناریوی تقابل با جنگ تهران – تل‌آویو منجر خواهد شد؟**

اگرچه برگزارشدن رزمایش اراهه‌ای آتش بدون ارتباط با خروج روسیه از سوریه نیست، اما به باور من این رزمایش بیشتر متأثر از فضای داخلی سرزمین‌های اشغالی است.

**• چگونه؟**

به هر حال در ماه‌های اخیر عملیات‌های گسترده‌ای در سراسر سرزمین‌های اشغالی شکل گرفته است. درعین‌حال کابینه بنت در آستانه فروپاشی قرار دارد؛ بنابراین برگزاری این رزمایش در این ابعاد می‌تواند با هدف موازنه‌سازی سیاسی و امنیتی انجام شده باشد. کمالاتیکه اساسا قرار بود این رزمایش سال گذشته میلادی برگزار شود که به دلیل عملیات سیف‌القدس به تعویق افتاد. البته نباید فراموش کرد مسئله جایگزین‌شدن نیروهای ایرانی با ارتش سوریه و... به جای نیروهای روسی نیز چندان قطعی نیست؛ اما اگر چنین هم باشد، قیلا هم گفتم، خروج نظامی روسیه به معنای دست برتر ایران نیست، بلکه درعین‌حال می‌تواند اسرائیل را هم به سمت اقدامات تهاجمی و انتحاری بکشاند. نکته مهم‌تری که نباید فراموش کرد، این است که لزوما خروج روسیه از سوریه به معنای این نیست اسرائیل حامی خود را در منطقه از دست داده است، بلکه بیشتر این معنا را می‌دهد که اتفاق ایران و ارتش سوریه حامی خود را در خاورمیانه و به‌خصوص سوریه از دست داده‌اند؛ بنابراین خلا روسیه در سوریه قطعا به جولان بیشتر ارتش ترکیه، آمریکا و دیگر کشورها در این کشور (سوریه) منجر خواهد شد که به نفع اسرائیل خواهد بود. از همه مهم‌تر، حتی اگر بنیذیریم که خروج روسیه از سوریه بیش از آنکه به ضرر تهران و دمشق باشد تبعات امنیتی برای تل‌آویو دارد، خود این نکته سبب خواهد شد اسرائیل وارد یک فاز تهاجمی و بیشترشدن تحرکات نظامی و امنیتی

در منطقه شود که رزمایش اراهه‌های آتش مؤید این تحلیل است. **• به باور شما آیا اقتضانات جنگ اوکراین که سبب شد ماه‌عسل روسیه و اسرائیل پایان یابد، سردی دائمی را در روابط مسکو و تل‌آویو شکل داده است؟**

قبلا هم گفتم روسیه بعد از فروکش‌کردن جنگ اوکراین قطعا دست به بازتعریف و احیای روابط خواهد زد؛ بنابراین سردی روابط اسرائیل و روسیه فعلا متأثر از جنگ اوکراین است و بی‌شک بعد از این جنگ، ماه‌عسل دو طرف از سر گرفته خواهد شد؛ به‌ویژه که نباید نقش و نفوذ لابی اسرائیل در روسیه را هم نادیده گرفت. از طرف

دیگر کرملین به روابط و مناسبات خود با تل‌آویو نیاز دارد؛ کمالاتیکه اسرائیلی‌ها نیز به حمایت روس‌ها نیازمندند. پس این سردی روابط از دید من مقطعی است. **• از منظر دیگر به تأثیر جنگ اوکراین بر اقتضانات منطقه خاورمیانه بپردازیم. آیا از دید شما بعد از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین و تقابل جامعه جهانی با مسکو، روسیه برای حفظ کشورهای حداقلی حامی خود مانند ایران مجبور شده است ذیل خروج از سوریه و دادن جایش به تهران، به نوعی جمهوری اسلامی را در جبهه خود نگه دارد؟**

بینبید برخی اقدامات روسیه در چند بُعد و در چند جبهه کاربرد دارند. برای مثال همین خروج روسیه از سوریه، به‌طور هم‌زمان چندین استفاده برای کرملین دارد؛ نخست ایجاد فضا برای تمرکز بیشتر روسیه روی جنگ اوکراین، دوم موازنه‌سازی در برابر اسرائیل که فعلا در جنگ اوکراین جانب ک‌ی‌ف را گرفته است و از طرف دیگر نوعی انفعال سیاسی و دیپلماتیک در قبال ایران و سوریه است به این معنا که خروج نیروهای روسیه از سوریه صرفا یک رفتار نظامی و امنیتی نیست، به هر حال یکی از مهم‌ترین خواسته‌های سوریه که به‌طور تأکید ایران نیز هست، بازپس‌گیری منطقه استراتژیک بلندی‌های جولان است که به باور جامعه جهانی یک منطقه اشغال‌شده است؛ بنابراین این اقدام روسیه را می‌توان تلاش مسکو برای حفظ سوریه و ایران در جبهه خود دانست. **• در این بین اروپایی‌ها و آمریکا هم بعد از جنگ اوکراین سعی دارند با توافق در وین، تهران را در جبهه خود جای دهند. در این رابطه سفر انریکه مورا به تهران و حضور امیر قطر در ایران هم در همین چارچوب قابل ارزیابی است. به باورتان ایران بین هدیه روسیه و تلاش غرب برای گسل تهران – مسکو باید چه عملکردی داشته باشد؟**

من معتقدم در شرایط کنونی اقتصادی و معیشتی قطعا سفر مذاکره‌کننده ارشد اتحادیه اروپا، امیر قطر و پیش‌تر از آن سفر وزیر امور خارجه لهستان که قربابت دیپلماتیکی با ایالات متحده دارد، فرصت مغتنمی است که می‌تواند سکون و بن‌بست کنونی مذاکرات وین را کنار بگذارد و موتور محرکه توافق باشد؛ اما همان‌گونه که



**در شرایط کنونی اقتصادی و معیشتی قطعا سفر مذاکره‌کننده ارشد اتحادیه اروپا، امیر قطر و پیش‌تر از آن مسفر وزیر امور خارجه لهستان که قربابت دیپلماتیکی با ایالات متحده دارد، فرصت مغتنمی است که می‌تواند سکون و بن‌بست کنونی مذاکرات وین را کنار بگذارد و موتور محرکه توافق باشد**



جهانی به انرژی دوجندان شده و به موازاتش شاهد سیر صعودی قیمت‌ها هستیم، بی‌شک اروپا و آمریکا نیاز به تولیدکنندگان بیشتری برای کاهش قیمت انرژی با هدف فشار به روسیه دارند. در مقابل هم روسیه سعی دارد با حذف بازیگران تولیدکننده انرژی مانند ایران فشار خود به‌خصوص در حوزه گازی را حفظ کند. در نتیجه نگاه رقابتی روسیه نسبت به بازار انرژی ایران در جهان بعد از جنگ اوکراین صدچندان شده است. به همین دلیل بود که شاهد آن رفتار روسیه در مذاکرات وین بودیم تا با مطرح‌کردن تحریم‌های آمریکا در قبال روابط تجاری ایران و روسیه، گفت‌وگوها را به شکست بکشاند که از یک طرف پرونده فعالیت‌های هسته‌ای را قربانی منافع روسیه کند، و در کنارش ایران هم نتواند با لغو تحریم‌ها به شکل فعالی وارد بازار انرژی شود. پس به‌صراحت عنوان می‌کنم همان‌گونه که منافع روسیه ایجاد می‌کند مذاکرات وین به شکست کشیده شود، ما هم طبق منافع خود باید ذیل احیای استقلال سیاسی‌مان از سفر انریکه مورا و امیر قطر برای روشن‌کردن مجدد موتور مذاکرات وین استفاده کنیم. دلیلی ندارد ایران بخواد خود را قربانی منافع روسیه کند، همان‌گونه که روسیه بدون توجه به شرایط سخت معیشتی در ایران اوج‌گیری بحران اقتصادی کماکان سعی دارد مذاکرات وین در یک حالت بلاتکلیف بماند، ما هم باید اهداف و منافع خود را دنبال کنیم و به فکر لغو تحریم‌ها باشیم.

**• با توجه به همین نکاتی که عنوان کردید، سفر انریکه مورا و امیر قطر را توأم با موفقیت می‌دانید؟**

من امیدوارم که این مسائل فرابرجامی با محوریت سپاه و خروش از لیست گروه‌های تروریستی با یک راه‌حل بینابینی، چه از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، قطری‌ها، ایران یا هر بازیگری به نتیجه برسد. واقعا جا دارد که سفر انریکه مورا با امیر قطر را آخرین شانس برای احیای مذاکرات بدانیم؛ چون اگر با چنین منطقی به مسئله نگاه کنیم، بیشتر قدر آن را خواهیم دانست و به دنبال استفاده و بهره‌برداری حداکثری از سفر این دو مقام منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای روشن‌کردن مجدد موتور مذاکرات وین با هدف حصول توافق و لغو تحریم‌ها خواهیم بود.

**• به‌عنوان یک دیپلمات کارگشته که سال‌ها سابقه حضور در حوزه سیاست خارجی را دارید، اساسا ورود مقامات یک کشور، چه از در سطح سران را باید نشانه خوبی برای احیای برجام تلقی کرد یا برعکس، حضور شیخ تمیم در تهران نشان از وخامت اوضاع و شکست قرب‌الوقوع مذاکرات دارد که طرفین به جای وزیر امور خارجه دست به دامن سران کشورها شدند؟**

من تصور مثبتی از سفر امیر قطر به ایران دارم؛ چراکه بی‌شک مقامی در سطح سران بدون برنامه‌ریزی و اطمینان از موفقیت یا ناکامی در دیگر کشورها نیست؛ مگر آنکه اصطلاحا «چخته پُر دیپلماتیک» داشته باشد تا بتواند میانجیگری خود را پیش ببرد. با وجود آنکه سایه سنگین گسل تهران و واشنگتن بر سر سپاه و خروزش از لیست گروه‌های تروریستی بن‌بستی جدی را در مذاکرات وین شکل داده است؛ اما باید بذیریم که سران یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس یعنی قطر که به گفته خود دولت بایند مهم‌ترین متحد استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه است، راهی تهران شده است؛ بنابراین باید حضور شیخ تمیم را نشانه خوبی برای احیای برجام در نظر گرفت. البته در آن سو رسیدن به موفقیت تا حد بسیار زیادی هم به نگاه ایران بستگی دارد. در این راستا شاید با توجه به مشکلات اقتصادی در داخل کشور، تهران هم دست به انعطاف موضع بزند. البته این یک تحلیل و گمانه‌زنی است. باید دید که نتایج این دو سفر مورا و شیخ تمیم چه خواهد بود؟